

مدیریت روستایی در سایه حکمروایی محلی مطلوب Rural Management Trough Local Good Governance

خدیجه مرادی^{۱*}، عبدالحمید پاپ زن^۲

^۱ کارشناس ارشد آموزشی و دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی، ^۲ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی

E-mail:sepidar_m2003@yahoo.com

*خدیجه مرادی

خلاصه

ترددی نیست که الگوی مدیریت مناطق روستایی می بایست منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم شناختی حاکم بر آن ها باشد. دهیاری ها به عنوان نهادهای محلی متولی این امر، در نوک پیکان مدیریت روستایی کشور قرار دارند. شواهد موجود بیانگر آن است، اگرچه استان کرمانشاه به لحاظ تعداد دهیاری ها، رتبه دوم کشور را دارد، اما تاکنون بررسی ای در خصوص بررسی فعالیت ها و عامل های بسترساز موفقیت این نهاد در استان صورت نگرفته است. به منظور انجام یک بررسی عمیق و استخراج الگوی عامل های بسترساز موفقیت دهیاری های استان کرمانشاه از دیدگاه دهیاران، پژوهش حاضر با بهره گیری از رویکرد کیفی و روش اکتشافی نظریه بنیانی انجام شد. جامعه مورد بررسی، دهیاران دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه بودند که ۱۲ نفر آنان به روش نمونه گیری هدفمند مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها از راه مصاحبه نیمه ساختارمند و گروه های متمرکز جمع آوری و در قالب سه رویه کد گذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. یافته های پژوهش نشان داد، بخش عمده فعالیت دهیاران مورد بررسی، اجرای طرح هادی و ارائه خدمات عمومی بوده و دهیاران مواردی مانند حکمروایی محلی مطلوب، رضایت شغلی و ویژگی های فردی-حرفه ای دهیاران، تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری را به عنوان عامل های بسترساز موفقیت این نهاد در انجام وظایف قانونی خود، الزامی دانستند. نتایج این بررسی برنامه ریزان توسعه روستایی را یاری خواهد کرد با فراهم نمودن بستری لازم، زمینه تحقق مدیریت روستایی کارآمد را در منطقه مهیا سازند.

واژه های کلیدی: مدیریت روستایی، دهیاری، نظریه بنیانی، حکمروایی محلی مطلوب.

Abstract

Rural management strategy must be according to economic, social and ecological situations of the rural area. Local institutions in Iran are known as local administrators. These indigenous self-help groups are rural management responsible across the country. Based on current statistics, Kermanshah province ranks second in number of local institutions across the country. However, rural administrators' activities and their success factor have not been studied in Kermanshah. Therefore, the purpose of this qualitative study was to determine activities of rural administrators and factors influencing their success using grounded theory approach. The unit of analyses included 12 local administrators in Baladarband region in Kermanshah Township selected by purposeful sampling procedure. Data was collected by using semi-structured and several focus group interviews. A three step process as recommended by Strauss and Corbin was used to analyze data in grounded theory approach. Open coding, axial coding, and selective

coding was used as basis in data analysis. Results revealed that the main activities played by local administrators were implementation of Hadi Project and public services as requested by local villagers. Moreover, selective coding showed that local administrators believed that one's success is dependent on: local good governance, job satisfaction, personal and professional characteristics of local administrators, access to physical resources as well as financial resources. This would help rural development practitioners to develop a mindset that in order for local administrative to be effective, more physical and monetary assistance is required.

Key Words: rural administrator, success, grounded theory, local good governance

مقدمه

مدیریت روستایی، فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از راه شکل دادن به سازمان‌ها و نهادها است (رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۱۱). اگرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشکلهایی با عناوین شورای اسلامی، خانه همیار، دفتر عمران روستایی و مواردی از این گونه شکل گرفتند، اما به دلیل نداشتن زمینه‌های لازم و سازمان‌های اجرایی مرتبط، به توفیق قابل قبولی در مدیریت نواحی روستایی کشور دست نیافتند (طالب، ۱۳۷۶: ۱۳). به واسطه این نابسامانی‌ها، در سال ۱۳۷۷ قانون "تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور" به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به وزارت کشور اجازه داده شد تا به منظور اداره امور روستاها و توسعه پایدار روستایی، نهادی به نام "دهیاری" تأسیس نماید. به موجب قانون یاد شده، این نهاد می‌بایست با توجه به ویژگی‌های محل و با درخواست اهالی، به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در روستاهای بالای ۲۰ خانوار که بالغ بر ۳۵۰۰۰ روستا در کشور است، تأسیس شود (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴: ۱). بدون شک، موفقیت هر نهاد مدیریتی نیازمند وجود پیش‌زمینه‌ها، ساختارهای اداری و تشکیلاتی مناسب با آن نهاد است. طالب (۱۳۸۶: ۶۹) در بررسی به عمل آمده از چند روستا در شهرستان همدان، گنبد و دشت، به این نتیجه رسید که فعالیت‌های اجرایی در سطح روستا نیازمند تمرکز مدیریت در دست یکی از اهالی است. وی، علاوه بر یک پارچگی مدیریت روستا، دیگر الزام‌های توفیق فعالیت‌های اجرایی روستا را در قالب موارد زیر برشمرده است: پذیرش مردم، گزینش دهیار از میان رهبران اجتماعی روستا یا منسوب به آن‌ها، پشتوانه اجتماعی، حمایت دستگاه‌های اجرایی مختلف به ویژه بخشداری‌ها، ویژگی اعضای شورای اسلامی روستا که دهیار را گزینش می‌کنند و ویژگی‌های دهیار. مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴: ۲۵) هماهنگی دستگاه‌های اجرایی متولی مدیریت روستایی را به‌عنوان یکی دیگر از لازمه‌های موفقیت دهیاری‌ها مطرح کرده‌اند. دربان آستانه (۱۳۸۹: ۷) نیز در تحلیل وضعیت حکمروایی روستایی در سطح حکومت‌های محلی شهرستان قزوین، مواردی مانند رضایت شغلی دهیار، تحصیلات و سبک مدیریت وی، تعامل دهیاری با دهیاری‌های هم‌جوار، تجربه

دهیار و تجهیزات دهیاری را به عنوان مهم ترین متغیرهای مؤثر بر موفقیت حکومت‌های محلی مورد بررسی (شوراهای اسلامی و دهیاری) معرفی نموده‌اند. رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۶: ۲۱) ضمن تأکید بر نقش آسان‌گری نیروهای بیرونی (دولت و بازار) در مدیریت روستایی و مهم شمردن نقش روستاییان در مدیریت مشارکتی روستا، درگیر نمودن مردم محلی با تأکید بر گروه‌های حاشیه‌ای، توجه به نیازها و اولویت‌های مردم مطابق با قابلیت‌ها و استعدادهای موجود و توجه به پیشینه فرهنگ و آداب و رسوم روستاییان را، از جمله پیش شرط‌های لازم برای موفقیت نهاد مدیریتی دهیاری دانسته است. ایمانی و فیروزآبادی (۱۳۸۶: ۹۳) نیز بر این باورند که دهیاری یک سازمان محلی است که به مانند دیگر سازمان‌های محلی، پایه آن بر اصل حاکمیت مردم بنا نهاده شده و مشارکت اصل پایه‌ی فلسفه وجودی آن است. نتایج بررسی چوبچیان و همکاران (۱۳۸۶: ۸۷) در بررسی عامل‌های مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گلستان، بیانگر آن است که متغیرهایی مانند همکاری سازمان‌ها، رضایت شغلی دهیار، همکاری شوراهای اسلامی و مشارکت مردمی ۵۹ درصد واریانس عملکرد دهیاری‌های مورد بررسی را تبیین کرده است. رضوانی (۱۳۸۸: ۲۳۱) نیز به مواردی مانند فراگیربودن، یکپارچگی، خوداتکایی، مردم‌گرایی، هماهنگی با دیگر نهادها و داشتن فرهنگ استمراربخشی به فرصت‌ها به عنوان ضروریات موفقیت دهیاری‌ها اشاره کرده است. گلدمن (۲۰۰۲: ۵) ضمن تأکید بر نظارت نهادهای دولتی بر نهادهای محلی و سازوکارهای هماهنگی بین سازمان‌های مختلف درگیر در مدیریت‌های محلی، به تشریح نقش بودجه و امکانات در آن‌ها پرداخته است. به باور وی، بودجه و تجهیزات شرط لازم برای موفقیت نهادهای محلی است که موجب توانمندسازی مالی این نهادها می‌شود، اما نمی‌توان آن را شرط کافی موفقیت نهادهای محلی قلمداد کرد. استان کرمانشاه یکی از استان‌هایی است که رویکرد جدید مدیریت روستایی را در قالب تأسیس دهیاری‌ها، تجربه کرده است و به لحاظ تعداد دهیاری‌ها، پس از خراسان رضوی رتبه دوم کشور را دارد. اگرچه، دهیاری‌های استان کرمانشاه از بدو تأسیس تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولتی فعالیت‌هایی انجام داده‌اند، اما شواهد موجود گویای آن است که

این نهاد در انجام موفقیت آمیز دیگر وظایف خود با محدودیت‌ها و نارسایی‌هایی مانند تازه‌تأسیس بودن، تجربه اندک دهیاران در عرصه مدیریت روستایی، محدودیت منابع اعتباری و جلب مشارکت‌های مردمی روبرو است. از این رو، نارسایی‌های مدیریتی روستاهای استان همچنان به‌عنوان یکی از چالش‌های فراروی برنامه‌های توسعه پایدار روستایی مطرح می‌باشد. به نظر می‌رسد، بخش اعظم این چالش‌ها به فراهم نبودن زمینه‌ها و بسترهای لازم بر می‌شود که گذر از آن مستلزم بررسی پیش‌شرط‌ها و عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌ها از دیدگاه کنش‌گران اصلی مدیریت روستا، یعنی دهیاران می‌باشد. در این پژوهش کیفی سعی بر آن است، ضمن بررسی وضعیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، با بهره‌گیری از روش نظریه بنیانی، الگوی عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاران در انجام وظایف قانونی را استخراج نماید. نتایج این بررسی می‌تواند راه‌گشایی باشد برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان عرصه مدیریت روستایی، تا با فراهم نمودن بسترهای لازم، موجبات موفقیت نهاد محلی دهیاری در راستای گذر از چالش‌های مدیریتی را فراهم نماید. بدین ترتیب، ضمن امکان رقابت سالم میان دهیاری‌ها و ایجاد انگیزه شغلی در میان دهیاران، بسترهای مشارکت مردم محلی در مدیریت پایدار روستایی تحقق خواهد یافت.

روش‌شناسی تحقیق

نو بودن بررسی در زمینه عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌های استان کرمانشاه به دلیل ناشناخته بودن ابعاد و عامل‌های بسترساز موفقیت این نهاد، مستلزم انجام یک بررسی عمیق با بهره‌گیری از رویکرد کیفی است. از سویی، ارائه عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌ها در قالب یک الگو، انجام این پژوهش را با استفاده از روش اکتشافی نظریه بنیانی میسر می‌نماید. این روش یکی از روش‌های تحقیق کیفی مبتنی بر دیدگاه استقرایی است که بر پایه زمینه موجود، ابعاد تشکیل دهنده یک مسئله را روشن می‌نماید (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۵). نمونه‌های مورد بررسی به روش نمونه‌گیری هدف‌مند از میان دهیاران دهستان بالادربند گزینش و داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند به طول ۱۹ ساعت با ۱۲ نفر

از دهیاران جمع آوری شد و اشباع نظری (تئوریک) حاصل شد. به منظور افزایش اعتبار داده ها از راه فرایند مثلث سازی، دو گروه متمرکز ۷ و ۸ نفره از دهیاران تشکیل شد و در آن دهیاران به تبادل نظر در زمینه عامل های بستر ساز موفقیت خود پرداختند. داده های حاصل، در قالب سه مرحله کد گذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد؛ در پژوهش حاضر، پس از مرور داده ها، جملات در برگیرنده عامل های بستر ساز موفقیت دهیاری ها استخراج و مفاهیم همانند با یک کد مشترک در قالب ۵۰ مفهوم کد بندی شد. در کد گذاری محوری، پژوهشگران، کدها و دسته های نخستین را که در کد گذاری باز ایجاد شده بود، با موارد همانند ادغام و ارتباط بین خرده طبقه ها را مشخص نمودند و در نهایت از تلفیق برخی طبقه ها، مقوله هایی با مفاهیم جدید تشکیل شد. سرانجام در کد گذاری گزینشی، به منظور ارائه مدل تحقیق، دوباره الگوی به دست آمده به هم ریخته شد تا اطمینان حاصل شود که مدل نهایی از چه ویژگی ها و ترکیبی برخوردار می باشد و لذا رابطه بین طبقه ها بار دیگر مشخص و بر پایه رفت و برگشت های مداوم میان روابط و واقعیت مورد بررسی، طبقه های فرعی پیرامون آن ترسیم شد. در پایان، الگوی عامل های بستر ساز موفقیت دهیاری های دهستان بالادربند، بر پایه یافته های تحقیق استخراج شد.

نتایج، بحث و نتیجه گیری

بنابر پایه یافته های مندرج در جدول شماره ۱، بخش عمده فعالیت دهیاران مورد بررسی، در زمینه اجرای طرح هادی روستا، خدمات عمومی، فعالیت های اقتصادی - اجتماعی و ارتباط با سازمان ها و نهادهای دولتی بوده است.

جدول ۱: فعالیت دهیاری های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه در چارچوب وظایف قانونی

| ردیف | فعالیت ها | حوزه فعالیت ها |
|------|---|----------------|
| ۱ | حفظ گذرگاه ها و مکان های عمومی واقع در حریم روستا | |
| ۲ | نصب تابلوی روستا | |
| ۳ | صدور معرفی نامه اشتراک آب و برق | |

| | | |
|---|----|---|
| اجرای طرح هادی روستا | ۴ | صدور پروانه ساختمان |
| | ۵ | گزارش ساخت و سازه‌های غیرمجاز خارج از نقشه طرح هادی |
| | ۶ | بهسازی گذرگاه‌ها در چارچوب نقشه طرح هادی |
| | ۷ | پیگیری روشنایی گذرگاه‌ها و گازکشی روستا |
| خدمات عمومی و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی | ۸ | صدور معرفی نامه بیمه روستایی |
| | ۹ | کمک به حل اختلاف‌های روستاییان در محل با همکاری شورا |
| | ۱۰ | معرفی خانوارهای واجد شرایط به کمیته امداد و بهزیستی |
| | ۱۱ | جمع آوری زکات و کمک های مردمی |
| | ۱۲ | پیگیری ساخت مسجد، تعمیرات آن و احداث خانه عالم |
| | ۱۳ | اطفاء حریق هنگام آتش سوزی کشتزار، مراتع و جاها با همکاری مردم |
| ارتباط با سازمان‌ها و نهادها | ۱۴ | اعلام قوانین و آیین‌نامه‌های دولتی مربوط و پیگیری حسن اجرای آن‌ها |
| | ۱۵ | همکاری و پاسخ به استعلام‌های اداره‌های مختلف |
| | ۱۶ | ارائه گزارش‌های عملکرد ماهانه به بخش‌داری |
| | ۱۷ | گزارش بیماری‌های دامی و همکاری با مأموران دامپزشکی |
| | ۱۸ | تکمیل فرم‌های پیش‌بینی بودجه در پایان سال |
| | ۱۹ | همکاری با نیروی انتظامی |

چنانکه پیشتر گفته شد به منظور استخراج عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌ها داده‌ها با بهره‌گیری از سه رویه کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. در جدول ۲، خرده طبقه‌ها و طبقه‌های گسترده به‌دست آمده از کدگذاری باز و محوری نشان داده شده است. بر پایه این جدول عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌ها در قالب ۶ مقوله استخراج شد.

جدول ۲. خرده طبقه‌ها و طبقه‌های گسترده به‌دست آمده از مفاهیم

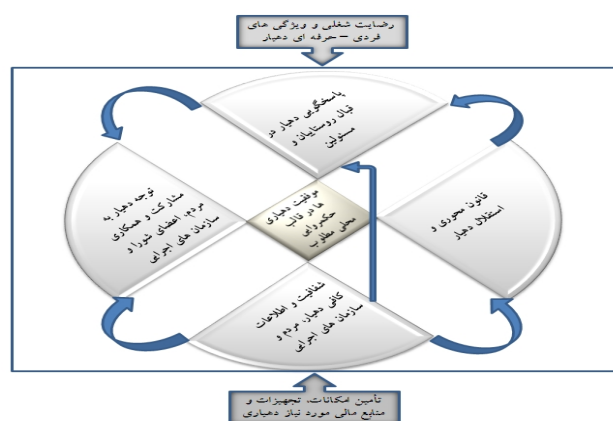
| طبقه‌های گسترده | خرده طبقه‌های |
|---|----------------------------------|
| توجه دهیار به مشارکت و همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های اجرایی | همکاری شورا |
| | همکاری مردم |
| | توانایی دهیار در جلب مشارکت مردم |

| | |
|--|--|
| | مشورت با معتمدان روستا |
| | همکاری بنیاد مسکن در تأمین به هنگام بودجه طرح هادی |
| | توجه به نظریه‌های دهیار هنگام تهیه نقشه طرح هادی |
| | همکاری و پشتیبانی دیگر سازمان‌ها از دهیار |
| رضایت شغلی و ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای دهیار | امنیت شغلی دهیار |
| | بیمه دهیار |
| | حقوق و مزایای کافی |
| | قابل اعتماد بودن دهیار |
| | بومی بودن دهیار |
| | شناخت دهیار از مناسبت‌های اجتماعی روستا |
| | آشنایی با نامه‌نگاری اداری |
| | شرکت در دوره‌های آموزشی تخصصی |
| | روابط عمومی خوب |
| | برخورد اقتضایی و انعطاف پذیر دهیار |
| | حضور مداوم دهیار در روستا |
| | برگزاری جشنواره دهیاری‌ها و گزینش دهیاران نمونه |
| | رتبه بندی دهیاری‌ها |
| | تشویق و قدردانی از دهیاران موفق در روستا |
| | معرفی دهیار و دهیاری از راه رسانه‌های عمومی مانند رادیو و تلویزیون |
| شفافیت و اطلاعات کافی دهیار، اعضای شورا، مردم و سازمان‌های اجرایی | آشنایی اعضای شورا با وظایف دهیاری |
| | برگزاری کلاس‌های توجیهی برای آشنایی اعضای شورا با وظایف دهیار |
| | برگزاری کلاس‌های توجیهی برای آشنایی مردم با وظایف دهیار |
| | آشنایی دهیار با وظایف خود |
| | اطلاع رسانی به موقع |
| | ابلاغ شرح وظایف دهیاری‌ها به دیگر سازمان |
| | |

| | |
|--|--|
| پاسخگویی دهیار در قبال روستاییان و مسئولان دولتی | بردباری دهیار |
| | توجه به نیازها و اولویت‌های مردم |
| | مصمم بودن و پیگیر بودن دهیار |
| | تعهد و پاسخگویی دهیار در رویارویی با مردم |
| | پاسخگویی در برابر بخشداری و دیگر سازمان‌ها |
| قانون محوری و استقلال دهیار | بیطرفی دهیار و عدم تبعیض در اجرای قانون |
| | وجدان کاری دهیار |
| | آزادی عمل در هزینه کردن بودجه و درآمد |
| | مستقل بودن نهاد دهیاری |
| | فعالیت دهیاری زیر نظر بخشداری (نه شورای اسلامی روستا) |
| | توجه سیاستگذاران به دیگر جنبه‌های توسعه روستایی در کنار طرح هادی |
| | امکان مکاتبه مستقیم دهیاری با دیگر سازمان‌ها |
| | معرفی رسمی دهیار در روستا توسط بخشداری |
| | صدور کارت شناسایی برای آسان‌گری در ارتباط با دیگر سازمان‌ها |
| | نظارت بخشداری و پشتیبانی از جایگاه قانونی دهیار |
| تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری | دسترسی به امکانات، تجهیزات و ماشین‌های مناسب با نیازهای روستا |
| | توجه به نظر دهیار و مشورت با او در زمینه توزیع ماشین‌ها و امکانات |
| | بودجه و اعتبارات کافی |
| | تخصیص بودجه بر پایه برگه‌های پیش بینی بودجه |
| | تخصیص بودجه بر پایه بررسی‌های نیازسنجی و قابلیت‌های روستا |
| | اختصاص به هنگام بودجه |
| | عوارض کارخانه‌های منطقه به دهیاری‌ها به عنوان یک منبع درآمد برای آن‌ها |

در کدگذاری گزینشی پس از مقایسه طبقه‌های گسترده از تلفیق مفهوم مقوله‌هایی مانند توجه دهیار به مشارکت و همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های مرتبط، شفافیت و اطلاعات کافی دهیار، اعضای شورا، مردم و سازمان‌های اجرایی، پاسخگویی دهیار در قبال روستاییان و مسئولان دولتی و در نهایت، قانون‌محوری و استقلال وی، طبقه محوری با عنوان "حکمروایی محلی مطلوب" شکل گرفت؛ چرا که این طبقه‌ها، مؤلفه‌های شکل‌دهنده حکمروایی محلی مطلوب به شمار می‌رود که امروزه یکی از شاخص‌های موفقیت نهادها در سطح مدیریت‌های محلی (اعم از شهر و روستا) به شمار می‌آید. از این رو در کدگذاری گزینشی مشخص شد که حکمروایی محلی مطلوب عامل پیونددهنده دیگر مقوله‌ها می‌باشد. بنابراین، پس از تبیین روابط دیگر مقوله‌ها با طبقه محوری مذکور، عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌ها در قالب مدل زیر استخراج شد:

شکل ۱: مدل عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه (منبع: یافته‌های پژوهش)



یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بنا بر جدول ۱، به طور عمده دهیاران درگیر اجرای طرح هادی و همکاری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی هستند و این امر آنان را از توجه به دیگر وظایف مندرج در قانون مانند فعالیت‌های زیست محیطی بازداشته است؛ به گونه‌ای که به گفته بیشتر دهیاران، "دهیار یعنی مجری طرح هادی و مأمور پاسخگویی به اعلام‌های

دیگر ادارات و مراجعات پی‌درپی برای پیگیری نارسایی‌های روستا که به طور عمده از سوی سازمان‌های مربوطه بی‌پاسخ می‌ماند! مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴) نیز در بررسی ۱۳ دهیاری استان آذربایجان غربی به این نتیجه رسیدند که عمده‌ترین فعالیت این دهیاری‌ها، اجرای طرح هادی و دیگر فعالیت‌های عمرانی و خدماتی است و تنها یکی از دهیاران (روستای یزدکان) در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی (تشکیل تعاونی تولید فرش) فعالیت نموده است. به نظر می‌رسد، پرداختن دهیاری‌های مورد بررسی به دیگر وظایف مندرج در قانون، مستلزم فراهم بودن زمینه‌ها و عامل‌های بسترساز است که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم:

بنابر شکل ۱، مهم‌ترین عامل بسترساز موفقیت دهیاری‌های مورد بررسی، حکمروایی محلی مطلوب می‌باشد. به عبارت دیگر، موفقیت دهیاری‌ها در قالب حکمروایی محلی مطلوب تحقق خواهد یافت. حکمروایی محلی مطلوب عبارت است از مدیریت شفاف و پاسخگویی منابع انسانی، طبیعی، مالی و اقتصادی به منظور دستیابی به توسعه پایدار و عدالت محور (شنگ، ۲۰۰۸: ۵). به نقل از وی، سه عنصر شفاف سازی، مشارکت و پاسخگویی در کنار قانونمندی نهادهای محلی از جمله مؤلفه‌های حکمروایی محلی مطلوب است که کارکرد ارزشمند آن در بهره برداری بهینه از کمترین منابع موجود با رویکرد اثربخشی، شفافیت و پاسخگویی حکومت‌های محلی، برابری در ارائه خدمات و جلب مشارکت همه کنشگران عرصه مدیریت محلی باعث شده به عنوان مبنای ارزیابی نهادهای محلی (مانند دهیاری‌ها) مورد توجه قرار گیرد. بر پایه یافته‌های تحقیق (جدول شماره ۲)، طبقه‌هایی مانند توجه دهیار به مشارکت و همکاری مردم، اعضای شورا و سازمان‌های اجرایی، شفافیت و اطلاعات کافی دهیار، اعضای شورا، مردم و سازمان‌های اجرایی، پاسخگویی دهیار در قبال روستاییان و مسئولان دولتی، قانون محوری و استقلال وی از مؤلفه‌های حکمروایی محلی مطلوب می‌باشد. دهیاران مورد بررسی برگزاری کلاس‌های توجیهی برای مردم و اعضای شورا، اطلاع‌رسانی به هنگام و برگزاری کلاس‌های توجیهی برای دهیاران جهت آشنایی با وظایف دهیاری را از جمله مؤلفه‌های شکل‌دهنده شفافیت و اطلاعات کافی برشمردند که از یکسو

موجب تحقق حکمروایی محلی و موفقیت دهیاری‌ها خواهد شد و از سوی دیگر امکان پاسخگویی مناسب دهیاران در قبال روستاییان و مسئولین دولتی را فراهم می‌آورد. در ادبیات عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌ها به عنوان مدیریت‌های محلی به این یافته اشاره ای نشده است و این از نقاط قوت بررسی‌های کیفی به ویژه نظریه بنیانی است که قادر است ابعاد ناشناخته مسئله را از درون زمینه استخراج نماید. به عقیده دهیاران مشارکت و همکاری اعضای شورا، مردم و همکاری دیگر سازمان‌های اجرایی در گرو تحقق شفافیت و اطلاعات کافی در خصوص وظایف دهیاران به شمار می‌آید که خود مؤلفه دوم حکمروایی محلی مطلوب می‌باشد. در تأیید این مدعا می‌توان به پژوهش زاهدی (۱۳۸۸) با "عنوان توسعه پایدار و حکمرانی محلی مطلوب" اشاره کرد که در آن از مشارکت عمومی به عنوان یکی از ضروریات‌های نخستین حرکت در مسیر حکمروایی مطلوب و موفقیت نهادهای محلی یاد شده است. همچنین مطیعی لنگرودی (۱۳۸۲) نیز به نقش مشارکت و جمع‌گرایی در نظام مدیریت جدید روستایی تأکید نموده و توصیه نموده که این عامل می‌بایست مورد توجه دهیاران قرار گیرد. به علاوه، قدیری و ریاحی (۱۳۸۳) نیز در بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران، مشارکت مردم و نهادهای محلی را به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی مدیریت روستایی معرفی نموده است. این یافته در راستای یافته‌های مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴)، چوپچیان (۱۳۸۶)، رضوانی (۱۳۸۸)، رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۶) و گل‌دمن (۲۰۰۲) می‌باشد. این محققان، مشارکت و درگیر نمودن مردم محلی، همکاری دستگاه‌های اجرایی متولی مدیریت روستایی و همکاری شورا را از عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌ها برشمرده‌اند. بر پایه شکل ۴، شفافیت و اطلاعات کافی علاوه بر جلب مشارکت مردم، اعضای شورا و دیگر سازمان‌های اجرایی، قانون محوری و استقلال دهیار را نیز به دنبال دارد. چرا که در آن صورت، جایگاه قانونی و شخصیت حقوقی دهیار برای مردم و دیگر کنش‌گران درگیر در مدیریت روستا، آشکار می‌شود. در این میان، نقش بخشداری در نظارت، پشتیبانی از جایگاه قانونی، معرفی رسمی دهیار در روستا و شناساندن وی به عنوان مدیریت محلی در کنار بی‌طرفی و نداشتن تبعیض دهیار در اجرای قانون و آزادی عمل و

استقلال وی در هزینه نمودن بودجه دهیاری، قانون محوری و استقلال دهیار را تضمین می‌نماید. گلدمن (۲۰۰۲) نیز نظارت نهادهای دولتی بر نهادهای محلی را به عنوان عاملی مهم در موفقیت نهادهای محلی مورد تأکید قرار داده است. دهیاران مصاحبه شده بر این باورند که نهاد محلی دهیاری باید به عنوان یک نهاد مدیریتی مستقل از جایگاه قانونی معتبر و مشخصی برخوردار باشد تا بتواند به انجام موفقیت آمیز وظایف قانونی خود نایل آید. ایمانی و فیروزآبادی (۱۳۸۶)، طالب (۱۳۷۶) و رضوانی (۱۳۸۸) از یکپارچگی، فراگیر بودن و نداشتن تبعیض مدیریت‌های محلی را از ضروریات موفقیت آن‌ها یاد کرده است. یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمروایی محلی مطلوب، پاسخگویی دهیار می‌باشد که در سایه تعهد و مصمم بودن دهیار در پیگیری امور روستا و بردباری و در برخورد با نارسایی‌های احتمالی، فراهم می‌آید. به گفته دهیاران مورد بررسی، اگر مردم بدانند دهیار در راستای توجه به نیازهای مردم و رفع نارسایی‌های آن‌ها تلاش می‌کند (پاسخگویی) گرایش بیشتری برای همکاری و مشارکت خواهند داشت. این یافته در بررسی گلدمن (۲۰۰۲) نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های تبیین‌کننده موفقیت حکومت‌های محلی جنوب و شرق افریقا مطرح شده است. بدین ترتیب، قانون محوری دهیار استقلال دهیار در کنار توجه وی به مشارکت مردم، اعضای شورا و دیگر سازمان‌های اجرایی، پاسخگویی و مهم‌تر از همه شفافیت و اطلاعات کافی، پایه‌ترین عامل بسترساز موفقیت دهیاران یعنی حکمروایی محلی مطلوب را شکل می‌دهند. (شاتیفان و همکاران، ۲۰۰۴)، از مواردی مانند پاسخگویی، مشارکت و شفافیت به عنوان اصول حکمروایی یاد کرده‌اند که موجبات رضایت خاطر جامعه محلی از مدیریت‌های محلی را فراهم می‌سازد و بی‌توجهی به آنان زمینه ساز بدبینی و اعتماد نداشتن به کنش‌گران محلی مدیریت خواهد بود. رضایت شغلی دهیار که از یک سو در گرو توجه به امنیت شغلی، تأمین حقوق و مزایا و بیمه و از سوی دیگر مستلزم رتبه‌بندی دهیاری‌ها، تشویق و قدردانی از دهیاران موفق و معرفی آنان از راه رسانه‌های عمومی می‌باشد، در کنار ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای وی مانند روابط عمومی خوب، برخورد انعطاف‌پذیر و قابل اعتماد بودن او و شرکت در دوره‌های تخصصی آموزش دهیاران یکی دیگر از عوامل بسترساز موفقیت

دهیاران دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه به شمار می‌رود. به علاوه، دهیاران بر این عقیده‌اند، رتبه‌بندی دهیاری‌ها موجب افزایش انگیزه شغلی و رقابت دهیاری‌ها می‌شود و در نهایت روند توسعه روستایی دهستان را سرعت می‌بخشد. دهیاران مورد بررسی همچنین اذعان داشتند به خاطر قبول مسئولیت دهیاری، فرصت‌های شغلی زیادی را از دست داده‌اند. با این وجود، امنیت شغلی، حقوق و مزایای کافی ندارند که موجب ایجاد انگیزه در آنان شود تا در راستای تحقق حکمروایی محلی مطلوب حرکت کنند. هم‌اکنون، حقوق ماهانه دهیاران نیمه وقت حدود ۱۹۰۰۰۰۰ ریال است که به گفته آنان "حتی هزینه ایاب و ذهاب به شهر جهت پیگیری امور روستا را نیز تأمین نمی‌کند". نقش رضایت شغلی و ویژگی‌های دهیار در موفقیت مدیریت محلی از سوی طالب (۱۳۷۶) و دربان آستانه (۱۳۸۹) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. دهیاران دهستان بالادربند از این عامل به عنوان یکی از عامل‌های آسان‌کننده و بسترساز موفقیت دهیاری‌ها در انجام وظایف قانونی، یاد کرده‌اند. نمونه‌های مورد بررسی اذعان داشتند دسترسی به ماشین‌های مورد نیاز منطقه با بهره‌گیری از نظر دهیار و تخصیص بودجه کافی بر مبنای برگه‌های پیش‌بینی بودجه که در پایان سال توسط دهیاران تکمیل می‌شود از یک سو و اختصاص به هنگام بودجه دهیاری‌ها از سوی دیگر، آنان را یاری خواهد کرد تا امور روستا را به بهترین نحو به انجام رسانند. در این میان، پرداخت به هنگام بودجه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که دهیاران به عنوان عاملی مهم از آن یاد کردند. به عقیده آنان چنانچه بودجه کافی باشد اما به موقع پرداخت نشود، نمی‌تواند کمکی به انجام امور روستا بنماید. از طرفی، بسیاری از دهیاران معتقد بودند که ماشین‌ها می‌بایست بر پایه نیاز روستا و شرایط جغرافیای محل و ناهمواری‌ها (توپوگرافی) خاص آن اختصاص یابد. چرا که در غیر این صورت نمی‌تواند در روستا کاربردی داشته باشد و اگر دهیار بخواهد به عنوان یک منبع درآمدزا در دیگر روستاها از آن استفاده کند، روستاییان اعتراض خواهند کرد که امور روستا را انجام نمی‌دهند. تأمین امکانات و تجهیزات در کنار بودجه کافی از سوی دربان آستانه (۱۳۸۹) و گلدمن (۲۰۰۲) به عنوان یکی از لازمه‌های موفقیت حکومت‌های محلی مورد تأکید قرار گرفته است. در پایان خاطر نشان

می‌شویم که مدل استخراجی این پژوهش یک مدل مفهومی است و قابلیت تعمیم ندارد. بدیهی است مدل‌های مفهومی تعمیم‌پذیری آماری ندارند. در واقع این مدل‌ها، تعمیم‌پذیری مفهومی دارند که خود می‌تواند مبنای درخور اعتمادی برای اجرای تحقیقات کمی باشد که در نتیجه از تعمیم‌پذیری آماری نیز برخوردار خواهد شد.

پیشنهادها

از آن جا که ایجاد هر نهاد مدیریتی نیازمند وجود پیش زمینه‌ها، ساختارهای اداری و تشکیلاتی متناسب با آن نهاد است، بر پایه نتایج این بررسی کیفی و با توجه به محوریت حکمروایی محلی مطلوب در بسترسازی موفقیت دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- آسان‌گری مشارکت عمومی به عنوان یکی از ضروریات بسترسازی حرکت در مسیر حکمروایی مطلوب و موفقیت دهیاری‌ها از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی جهت آشنایی دهیاران، اعضای شورا و مردم جهت شفافیت و آشنایی این کنش‌گران با وظایف دهیاران و توفیق آنان در مدیریت محلی روستا.

۲- ابلاغ وظایف دهیار به عنوان مدیریت مستقل محلی در سطح روستاها به سایر سازمان‌های اجرایی مرتبط مانند بنیاد مسکن، اداره برق، آب و فاضلاب روستایی جهت آشنایی این سازمان‌ها با وظایف دهیار و فراهم نمودن زمینه پاسخگویی دهیار در برابر این سازمان‌ها.

۳- انجام بررسی‌های جامع نیازسنجی در سطح دهیاری‌ها به منظور تخصیص امکانات، تجهیزات و بودجه کافی.

۴- نظارت بخشداری و تأمین امنیت شغلی دهیار (حقوق و مزایای کافی و بیمه) به منظور افزایش رضایت شغلی دهیار به عنوان یکی از عوامل بسترسازی موفقیت دهیاری‌ها.

۵- توجه به معیارهای دقیق در گزینش دهیاران بر مبنای ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای به‌عنوان یکی از اجزاء الگوی عامل‌های بسترسازی موفقیت دهیاری‌ها در این بررسی از راه

توجه به معیارهایی مانند قابل اعتماد بودن، روابط عمومی خوب، توانایی وی در جلب مشارکت‌های مردمی که از سوی دهیاران مورد بررسی مورد تأکید قرار گرفت.

۶- عنایت ویژه سازمان‌هایی نظیر بخشداری و استانداری به قانون محوری و استقلال دهیاران به‌عنوان یکی از عامل‌های بسترساز موفقیت دهیاری‌ها از طریق توجه به استقلال نهاد محلی دهیاری و آزادی عمل لازم از طریق فراهم نمودن امکان نام‌نگاری مستقیم دهیاران با سایر سازمان‌ها، معرفی رسمی دهیار در روستا، نظارت و پشتیبانی از جایگاه قانونی وی به ویژه از سوی بخشداری و صدور کارت شناسایی دهیار.

۷- تشکیل تعاونی دهیاری‌ها به منظور تلفیق و تجمیع امکانات و استفاده مشترک از تجهیزات فنی و ماشین‌های در راستای تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری‌ها. چرا که به دلیل ضعف توان مالی دهیاری‌ها، پایین بودن حجم عملیات اجرایی، عمرانی و خدماتی، تجهیز و انجام امور هر دهیاری به طور مستقل، مقرون به صرفه نیست.

۸- سنجش حکمروایی محلی دهیاری‌ها و رتبه‌بندی آن‌ها بر پایه سطوح حکمروایی محلی.

منابع

۱. ادیب حاج باقری، م.، پرویزی، س. و صلصالی، م. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کیفی. انتشارات بشری، چاپ دوم.
۲. ایمانی جاجرمی، حسین و سید احمد فیروزآبادی (۱۳۸۶). بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تأکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
۳. چوبچیان، ش.، کلانتری، خ. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۶). عامل‌های مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان. روستا توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
۴. دربان آستانه، ع. (۱۳۸۹). سنجش سطح حکمروایی روستایی و عامل‌های مؤثر بر آن در حکومت‌های محلی شهرستان قزوین. طرح پژوهشی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

۵. رضوانی، م. ر. (۱۳۸۸). مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. چاپ سوم، نشر قومس.
۶. رکن الدین افتخاری، ع. ر.، سجاسی قیداری، ح. ا. و عینالی، ج (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار. روستا توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
۷. زاهدی، ش. ا. (۱۳۸۸). توسعه پایدار. انتشارات سمت. چاپ دوم.
۸. طالب، م. (۱۳۷۶). مدیریت روستایی در ایران. چاپ چهارم. انتشارات دانشگاه تهران.
۹. قدیری معصوم، م. و ریاحی، و. و. (۱۳۸۳). بررسی محورها و چالش های مدیریت روستایی در ایران. فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۰.
۱۰. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲). «مدیریت برای نوسازی روستایی تجربه اروپا و شمال امریکا». جغرافیا و توسعه ناحیه ای. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۱. مهدوی، م. و نجفی کانی، ع. ا. (۱۳۸۴). دهیاری ها، تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران نمونه موردی: دهیاری های استان آذربایجان غربی. فصلنامه پژوهش های جغرافیایی. شماره ۵۳.
12. Goldman, Ian (2002). "Local governance for rural development: A case study from South and East Africa".
13. Shatifan, Nina., Yunita, Rahmi., Nugroho, Riant., and Abas, Muhamad (2004). "Strengthening Local Governance Central Sulawesi and North Maluku". Available at: [http://www.internaldisplacement.org/8025708F004CE90B/\(httpDocuments\)/00EB0D88F6CAF045C1257116002FD4CA/\\$file/Indonesia__Thematic_Assessments,_Strengthening_Local_Governance.pdf](http://www.internaldisplacement.org/8025708F004CE90B/(httpDocuments)/00EB0D88F6CAF045C1257116002FD4CA/$file/Indonesia__Thematic_Assessments,_Strengthening_Local_Governance.pdf)
14. Sheng, K. Y. (2008). "What is good governance". United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.